



درس خارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

موضوع جزئی: تورم و کاهش ارزش پول، مسأله‌ای جدید یا قدیمی - احتمالات سه‌گانه - نظر برگزیده - شواهد

تاریخ: ۱۹ مهر ۱۴۰۲

مصادف با: ۲۵ ربیع الاول ۱۴۴۵

جلسه: ۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تورم و کاهش ارزش پول، مسأله‌ای جدید یا قدیمی

درباره عنوان بحث و اهمیت و گستره بحث از کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن، در جلسه گذشته مطالبی را عرض کردیم. پرسشی که در پایان درس مطرح کردیم، این بود که آیا این موضوع و مسأله از مسائل مستحدثه محسوب می‌شود یا از مسائل قدیمی است؟

احتمالات سه‌گانه

۱. یک فرض این است که ما به طور کلی بگوییم این از مسائل مستحدثه است و هیچ سابقه‌ای برای آن در گذشته نمی‌توانیم پیدا کنیم.

۲. فرض دیگر این است که به طور کلی این مسأله از قدیم الایام مطرح بوده و اساساً مسأله تازه‌ای محسوب نمی‌شود.

۳. احتمال سوم اینکه این مسأله از گذشته مطرح بوده اما آنچه امروز شاهد آن هستیم، با گذشته تفاوت‌هایی کرده است؛ کلیت این موضوع و اصل این موضوع از گذشته وجود داشته اما امروزه شکل دیگری پیدا کرده و اسباب جدیدی در آن دخالت پیدا کرده است.

نظر برگزیده

به نظر می‌رسد این وجه از دو وجه پیشین قوی‌تر و صحیح‌تر است. ما با مجموع بررسی‌هایی که انجام دادیم، گمان می‌کنیم مسأله تورم یا افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و به تعبیر دیگر کاهش ارزش پول از قدیم الایام بوده است. این سه تعبیر ضمن اینکه در موارد زیادی با هم منطبق هستند به دلیل مقارنتی که با هم دارند، اما در عین حال از نظر مفهومی یکسان نیستند همانطور که در جلسه قبل هم اشاره شد. به عبارت دیگر، کاهش ارزش پول یا تورم در دنیای امروز با گذشته هم اشتراکاتی دارد و هم تفاوت‌هایی، ولی اصل مسأله از قدیم الایام مطرح بود. طبیعتاً در طول زمان به دلایل مختلف، از بساطت خارج شده و پیچیده‌تر شده و انواع پیدا کرده و عوامل گوناگونی بر آن دخالت دارند. مثل مسأله اجتهاد؛ موضوع اجتهاد از عصر ائمه (ع) مطرح بوده، امروز هم ما مسأله اجتهاد را داریم؛ اما اجتهاد امروز کجا و در آن دوره کجا؟! آن موقع یک مفهوم بسیط بود، امروزه بسیار متنوع و گسترده شده است.

شواهد

اینکه من عرض می‌کنم تورم یا افزایش قیمت‌ها از قدیم الایام بوده یا به تعبیر دیگر ارزش پول کاهش پیدا می‌کند، یکی از نویسندگان می‌گوید: تورم عارضه‌ای قدیمی است که به سن دنیا عمر دارد؛ دولت‌ها همیشه محتاج قدرت خرید اضافی بودند

که با اتکا آن بتوانند هزینه‌های دولتی و اداری یا غیره و یا مخارج جنگ را تأمین کنند.^۱ یعنی از زمانی که بشر زندگی اجتماعی خودش را شروع کرده، مسأله تورم مطرح بوده است. حالا اصطلاح تورم نبوده، چون اصطلاح تورم برای اولین بار در قرن ۱۹ میلادی مورد استفاده قرار گرفته^۲، ولی ما با اصطلاح کار نداریم، واقعیت افزایش سطح عمومی قیمت‌ها همیشه بوده است.

۱. صدر اسلام

در برخی کتاب‌هایی که از تمدن بشری گزارش‌هایی نقل کرده‌اند یا کتاب‌هایی که از اقتصاد گزارشاتی ارائه داده‌اند، ما این را می‌توانیم ببینیم؛ حتی قبل از قرن هجدهم یا نوزدهم که این اصطلاحات وارد فضای دانشی اقتصاد شد، این واقعیت وجود داشته است. حالا این هم در عصر اسلامی کاملاً قابل ردیابی است و هم در کشورهای اروپایی و کشورهای مسیحی بودند. این برمی‌گردد به حدود ۱۴۰۰ سال قبل؛ در عصر رسول خدا(ص) و ائمه اطهار(ع) این کاملاً قابل پیگیری است. یک روایاتی داریم که این روایات به نوعی اشاره به همین مسأله دارد. من فعلاً به ماهیت پرسش و پاسخ مذکور در روایات کاری ندارم، اینکه منظور چه بوده و پاسخ چه بوده، اینکه در بین این روایات یک تعارض‌هایی گاهی مشاهده می‌شود و اینکه ما در برابر این تعارض‌ها چه باید کنیم، اینها بحث‌هایی است که بعداً ان‌شاءالله به آن خواهیم پرداخت؛ عمده این است که ما از این روایات می‌توانیم استفاده کنیم موضوع تغییر قیمت، بالا رفتن قیمت و افزایش قیمت را و طبیعتاً وقتی قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند، یک بُعد و جنبه آن کاهش ارزش پول است.

در مورد تغییر قیمت‌ها و افزایش قیمت‌ها تقریباً اتفاق نظر وجود دارد که قیمت‌ها در صدر اسلام تغییر می‌کرد، منتهی یک اختلافی است که آیا این قیمت‌ها تغییر شدید داشت یا تغییر خفیف؛ به تعبیر دیگر افزایش قیمت‌ها محسوس بوده یا نامحسوس؟ به تعبیر سوم، در چه دوره زمانی این تغییرات اتفاق افتاده است؟ چون در مورد تورم این مسأله مطرح است که تورم عبارت است از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک بازه زمانی معین، مثلاً یک سال؛ الان فاصله زمانی که قیمت‌ها و تغییر آن را می‌سنجند و ملاک مقایسه قرار می‌دهند، یک دوره زمانی یک ساله است. اصطلاح تورم در این مورد به کار می‌رود، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره زمانی معین. مثلاً اگر فرض کنید این تغییرات در طی ده سال، پنجاه سال یا صد سال اتفاق بیفتد، این را از نظر اصطلاحی تورم نمی‌گویند؛ مثلاً می‌گویند امسال تورم صفر است یا حتی بعضی کشورها تورم منفی دارند؛ مثلاً ژاپن چندین سال تورم منفی داشته است. حالا اینکه آیا اساساً تورم منفی برای اقتصاد خوب است یا بد، این خودش یک بحث دیگری است که ان‌شاءالله در ادامه متعرض خواهیم شد. ولی مسأله این است که اگر در یک دوره زمانی طولانی این اتفاق بیفتد، اصطلاح تورم را به کار نمی‌برند، اما بالاخره افزایش هست. اگر بگوییم تورم عبارت است از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره زمانی معین است، تغییراتی که در گذشته در طول صد سال اتفاق افتاده اصطلاحاً تورم محسوب نمی‌شود؛ ولی اگر ما با قطع نظر از این بازه زمانی معین، افزایش قیمت‌ها را در گذشته بررسی کنیم، قطعاً قابل انکار نیست و این اتفاق افتاده است. تغییرات در گذشته کند بوده و در یک زمان طولانی اتفاق می‌افتاده، ولی اصل تغییر قیمت‌ها بوده است.

۱. اقتصاد نوین، ج ۲، ص ۶۰.

۲. تورم جهانی، ص ۶.

برای همین است که برخی معتقدند روایات و نقل‌های تاریخی، هم در جوامع روایی شیعه و هم جوامع روایی اهل سنت دلالت می‌کنند بر تغییرات قیمتی به صورت خفیف، بعضی معتقدند آن موقع تغییر قیمت بوده اما کم بود؛ برخی معتقدند تغییرات محسوس و شدید هم اتفاق افتاده است. ما الان نمی‌خواهیم داوری کنیم که تغییرات خفیف بوده یا شدید، اصل تغییر امر غیر قابل انکار و مسلماً قابل اثبات است.

من چند نمونه از گزارش‌ها و نقل‌هایی که هم در کتب اهل سنت و هم در کتب شیعی نقل شده را می‌خوانم تا ببینید این مسأله همزاد با بشر است. اینکه می‌گوید تورم به سن دنیا و به اندازه عمر دنیا عمر دارد، این یک حقیقت است.

۱. این روایت را شیخ صدوق در کتاب توحید نقل کرده: «وَقِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) لَوْ أَسْعَرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَ تَنْقُصُ فَقَالَ (ص) مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بَدِئَةً لَمْ يُحْدِثْ لِي فِيهَا شَيْئًا فَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ». ^۱ به رسول خدا (ص) عرض شد قیمت‌ها افزایش و کاهش پیدا می‌کند؛ «لَوْ أَسْعَرْتَ لَنَا سِعْرًا» یعنی چه می‌شد که قیمت‌ها را برای ما تعیین می‌کردی؟ یک عده‌ای آمدند پیش رسول خدا (ص) و گفتند ای کاش برای ما قیمت‌ها را تعیین می‌کردی و روی اجناس و کالاها قیمت می‌گذاشتی؛ چون قیمت‌ها بالا و پایین می‌رود. فرمود: من حاضر نیستم خداوند متعال را ملاقات کنم در حالی که بدعتی گذاشته باشم که در آن کسی از من سبقت نگرفته باشد؛ بندگان خدا را آزاد بگذارید تا بعضی بتوانند از بعضی دیگر استفاده کنند.

من فعلاً با پاسخ رسول خدا (ص) کار ندارم؛ اینکه رسول خدا (ص) فرموده من حاضر نیستم یک بدعتی بگذارم که پیش از من گذاشته نشده، اینجا پرسش‌هایی مطرح است که چرا این بدعت است و چرا رسول خدا (ص) حاضر نشد این کار را بکند و اینکه قبل از رسول خدا (ص) کسی این کار را نکرده است؛ بعد می‌فرماید بندگان خدا را آزاد بگذارید تا اینها از هم استفاده کنند. یعنی این بالا رفتن قیمت در حقیقت سودی است که نصیب برخی می‌شود. ما با اصل تغییر قیمت کار داریم؛ بالاخره این اتفاق می‌افتاده و کم و زیاد آن هم معلوم نیست. بعید نیست اینجا رسول خدا (ص) دارد اشاره به یک اصل کلی می‌کند؛ بله، یک وقت عنوان ثانوی و یک شرایط خاص پیش بیاید، این یک بحث دیگر است؛ شرایط جنگ باشد یا تنگنا باشد، عده‌ای احتکار کنند، حاکم حق تعیین دارد؛ اما به عنوان اولی کأن حضرت می‌خواهد بفرماید که این امور، اموری است که باید آزاد باشد و این تابع قوانین خودش است و من نباید در این قوانین دخالت کنم. شاید این همان باشد که امروزه اسمش را قانون عرضه و تقاضا می‌گذارند و آن چیزهایی که مطرح است.

۲. انس بن مالک نقل کرده که قیمت‌ها در زمان رسول خدا (ص) افزایش پیدا کرد و مردم تقاضا کردند که رسول خدا (ص) قیمت‌گذاری کند، «غَلَا السَّعْرُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، فَقَالَ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ غَلَا السَّعْرُ فَأَسْعِرْ لَنَا»، قیمت بالا رفته، شما برای ما قیمت‌گذاری کن. «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسْعِرُ الْقَابِضُ الرَّازِقُ وَ إِنِّي لِأَرْجُو أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنْكُمْ يَطَالِبُنِي بِمُظْلَمَةٍ فِي دَمٍ وَ لَا مَالٍ»^۲، مردم از رسول خدا (ص) خواستند که قیمت‌گذاری کند؛ حضرت فرمود: خداوند، قیمت‌گذار سخت‌گیر و روزی دهنده است و من امیدوارم در حالی خدا را ملاقات کنم که من در مال یا خون یکی از شماها ظلم نکرده

۱. التوحید (شیخ صدوق)، ص ۳۸۸، ح ۳۳؛ وسائل الشیعة، ج ۱۷، باب ۳۰ از ابواب آداب التجارة، ص ۴۳۱، ح ۲؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۶۸، ح ۳۹۶۹.

۲. التوحید (شیخ صدوق)، ص ۳۳۸؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۸۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۷۴۲.

باشم و حقی از شما ضایع نکرده باشم.

اینکه فرمود «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُسَعَّرُ» باید توجه کرد که معنای حدیث این نیست که قیمت‌ها دست خداست؛ چون بعضی از منبری‌ها و خطبا که قدرت تحلیل و تجزیه روایات را ندارند، همین روایت را نقل می‌کنند و این را به گردن خدا می‌اندازند و این دست‌مایه یک سری از حرف و حدیث‌ها می‌شود، مخصوصاً در فضای مجازی؛ یا اینکه شیطنت‌هایی است که برخی می‌کنند و قبل و بعد بعضی مطالب را می‌زنند و بعد می‌گویند فلان آقا این حرف را گفت. مثل اینکه من این روایت را خواندم که «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُسَعَّرُ»، کسی بیاید قبل و بعد حرف من را بزند و فقط همین یک تکه را بگذارد و بعد بگویند که آخوندها می‌گویند قیمت‌گذاری دست خداست؛ اینها می‌خواهند این گرانی‌ها را توجیه کنند و به گردن خدا بیندازند. این خودش احتیاج به شرح و توضیح دارد که این یعنی چه، مخصوصاً با جمله بعد که می‌گوید «القابض الرزاق»؛ حالا ما در مقام بیان آن نیست، اما اصل تغییر و بالا رفتن قیمت‌ها از این گزارش‌ها کاملاً استفاده است.

۳. در یک روایتی راوی خدمت امام صادق (ع) می‌رسد و عرض می‌کند: «وَقَدْ تَزَيْدَ السَّعْرُ بِالْمَدِينَةِ كَمْ عِنْدَنَا مِنْ طَعَامٍ»، امام صادق (ع) به او گفت که قیمت‌ها در مدینه افزایش پیدا کرده، ما چقدر خوراکی داریم؟ «قَالَ قُلْتُ عِنْدَنَا مَا يَكْفِيكَ أَشْهُرًا كَثِيرَةً»، به امام (ع) عرض کردم که ما برای چند ماه آذوقه و به اندازه‌ای که برای چند ماه کفایت کند، آذوقه داریم. حضرت فرمود: آذوقه‌ها را بفروش. «قَالَ قُلْتُ لَهُ وَ لَيْسَ بِالْمَدِينَةِ طَعَامٌ»، گفتم اگر اینها را بفروشم، خودمان نداریم، در مدینه غذایی نیست. امام (ع) فرمود ببر بفروش و آن را در اختیار مردم قرار بده.^۱ اینجا هم می‌گوید قیمت‌ها بالا رفت.

۴. در کتب تاریخی هم این گزارش‌ها وجود دارد؛ در تاریخ یعقوبی اینطور آمده «مات فی تلک السنة^۲ فی طاعون خمس و عشرون الفاً» بیست و پنج هزار نفر از دنیا رفتند به وسیله طاعون، «و غلا السعر»^۳ و قیمت افزایش پیدا کرد. این یکی از تفاوت‌های جدی بین تورم در عصر حاضر و در گذشته است که حالا این تفاوت‌ها را خواهیم گفت که اکثر افزایش قیمت‌ها در گذشته ناشی از عوامل طبیعی بود؛ سیل، زلزله، طاعون، وبا؛ یک بیمار واگیردار می‌آمد و جمع زیادی از دنیا می‌رفتند، کالاها کم می‌شد و قیمت‌ها بالا می‌رفت. اما امروز مسأله متفاوت شده و این دیگر منحصر در عوامل طبیعی و حوادث و زلزله و خشکسالی نیست؛ عوامل بسیار دیگری در این مسأله دخیل‌اند که اشاره خواهیم کرد.

سؤال:

استاد: گفتم امروزه دولت‌ها خیلی در این مسأله دخیل هستند اما این مقوم آن نیست. سیاست‌های پولی دولت‌ها در این مسأله بسیار مهم است اما منحصر در این نیست؛ در تعریف تورم کسی نگفته که تورم چیزی است که دولت‌ها ایجاد می‌کنند؛ یکی از مهم‌ترین عواملش دولت‌ها هستند، اما مقوم عنصر تورم، حکومت و دولت نیست.

سؤال:

استاد: آن موقع که خرج اینترنت و اردو نبود؛ سطح عمومی قیمت‌ها یعنی قیمت کالاهایی که بشر برای زندگی به آن نیاز دارد.

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۶۶، ح ۲، کتاب المعیشه.

۲. سنه ۱۸ قمری و در زمان خلفا.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵۱.

الان برای محاسبه تورم فرمول دارند، یک شاخص دارند، از همه قیمت‌ها یک میانگین می‌گیرند و بعد کالاهای ضروری و غیر ضروری فرق می‌کند، کالاهای مصرفی فرق می‌کند؛ آن موقع چون زندگی‌ها بسیط بود، همین خوراک و پوشاک و مرکب، آن موقع هزینه آب و برق نداشتند، برای اینکه این امور جزء چیزهایی که موجب هزینه شود نبود. هر آنچه که بشر برای معیشت به آن نیازمند بود، این می‌شد ملاک برای افزایش قیمت؛ وقتی می‌گوییم افزایش قیمت، یعنی میانگین آن چیزهایی که برای زندگی به آن نیاز داشت.

سؤال:

استاد: ما در بحث از تطورات پول و مراحلی که پول طی کرده تا به امروز رسیده خواهیم گفت. اصلاً نظام پولی امروز با گذشته کاملاً متفاوت شده است؛ آن موقع هم نظام پولی خودش چند نوع داشت که الان منسوخ شده؛ مثل همه دنیا، کاملاً متفاوت شده که اشاره خواهیم کرد.

۵. «أَصَابَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ غَلَاءٌ وَ قَحْطٌ»، مردم مدینه گرفتار گرانی و قحطی شدند؛ «وَ كَانَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ طَعَامٌ جَيِّدٌ قَدْ اشْتَرَاهُ أَوَّلَ السَّنَةِ»، امام صادق (ع) گندم خیلی خوبی داشت و از اول فصل خریده بود؛ «فَقَالَ لِبَعْضِ مَوَالِيهِ اشْتَرِ لَنَا شَعِيرًا فَاحْطِطْ بِهَذَا الطَّعَامِ أَوْ بَعُهُ فَإِنَّا نَكْرَهُ أَنْ نَأْكُلَ جَيِّدًا وَ يَأْكُلُ النَّاسُ رَدِيًّا»، امام صادق (ع) به یکی از خدمتکارانش فرمود: یک مقدار جو برای ما بخرید و با این گندم مخلوط کنید یا اینکه آن را بفروشید، برای اینکه ما دوست نداریم غذای خوب بخوریم و مردم غذای بد.

مسأله گرانی و قحطی، عاملش تقریباً ذکر شده است. البته گزارش‌هایی گاهی داریم که قیمت‌ها کاهش پیدا کرده است. ۶. در روایتی محمد بن مسلم می‌گوید خداوند به امام باقر (ع) دو فرزند پسر داد؛ به زید بن علی فرمود: دو گوسفند برای عقیقه بخر. «وَلِدٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع) غُلَامَانِ جَمِيعًا فَأَمَرَ زَيْدَ بْنَ عَلِيٍّ أَنْ يَشْتَرِيَ لَهُ جَزُورَيْنِ لِلْعَقِيقَةِ وَ كَانَ زَمَنُ غَلَاءٍ فَاشْتَرَى لَهُ وَاحِدَةً وَ عَسْرَتَ عَلَيْهِ الْأُخْرَى، فَقَالَ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَدْ عَسْرَتَ عَلَيَّ الْأُخْرَى»^۱، این رفت یکی خرید و یکی دیگر را نتوانست بخرد؛ بعد آمد خدمت امام (ع) عرض کرد و من یکی بیشتر نتوانستم بخرم. اینکه با یک مقدار پول قرار بوده دو تا گوسفند بخرد، اما یکی بیشتر نتوانست بخرد؛ این نشان می‌دهد که افزایش قیمت‌ها چندان کم هم نبوده است. اینکه با یک پولی می‌توانسته دو تا بخرد و بعد متوجه شده یکی بیشتر نمی‌تواند بخرد، از این معلوم می‌شود که قیمت افزایش قابل توجهی داشته است.

سؤال:

استاد: ما کار نداریم که علتش چه یا اینکه یک مقطع خاص بوده یا نه، می‌خواهیم بگوییم اصل افزایش در آن زمان هم بوده است.

ما روایات متعددی داریم که ضمن اینکه از این اتفاق گزارش می‌کنند، به یک مناسبتی سؤال می‌کند؛ مثلاً در باب قرض یا در باب فروش نسیه می‌گویند ما چیزی را نسیه فروخته‌ایم^۲، آن موقع قیمت‌ها کم بوده و بعد زیاد شده یا بالعکس، الان چه باید

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۶۶، ح ۱.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۱۵، باب ۴۰، ح ۲.

۳. کافی، ج ۴، ص ۵۴۴، ح ۲۲؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۰۳، باب ۵۸، ح ۵.

کنیم؛ امام(ع) پاسخ داده‌اند. یا برای قربانی در حج این پرسش مطرح شده است^۱؛ فرصت نیست، روایات زیاد است. بنابراین اصل این مسأله که قیمت‌ها در دوره اسلامی و در عصر رسول خدا(ص) و ائمه(ع) تغییر می‌کرده است؛ گاهی این تغییرات شدید بوده و گاهی نامحسوس، و حتی گاهی قیمت‌ها کاهش پیدا می‌کرد. این یک امری است که فی نفسه در آن دوران هم وجود داشته است. اگر ما اسم این را تورم بگذاریم، آن فاصله‌های زمانی خیلی معلوم نیست که بتوانیم بگوییم آیا اصطلاح تورم بر آن افزایش‌ها صدق می‌کرده یا نه، ولی اصل این مسأله بوده؛ حالا این ممکن است در یک دوره کوتاه بوده یا در یک بازه زمانی بلندمدت. همین اتفاق در کشورهای دیگر هم بوده که من نمونه‌هایی از این مسأله را در کشورهای غیر اسلامی هم ان‌شاءالله نقل می‌کنم و بعد به تفاوت‌های افزایش قیمت‌ها در این دوران و تورم در این دوران با گذشته، اشاره خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۱۲، باب ۱۸ از کتاب التجارة، ح ۵.